

چکیده

زمینه: قانون‌گرایی در مجامع و نوشته‌های علمی به‌عنوان مفهومی بکار می‌رود که به اصالت قانون و اصول قضائی و حقوقی در روابط بین مردم و دولت و همچنین روابط مابین خود مردم معتقد می‌باشد. مطابق این عقیده در عرصه سیاست جهانی رفتار بین‌المللی ملاک عملکرد دولت‌ها، شرایط اخلاقی و اجتماعی نیست بلکه روابط حقوقی و شرایط تابعه آن معیار است. قانون‌گرایان بر این عقیده‌اند که دولت محصول قانون است و در مورد دولت، جامعه و کشور باید تنها صلاحیت حقوقی، قانونی و قضایی را در نظر بیاورد، هر چند با اخلاق و مذهب متغایر و متضاد باشد.

یافته‌ها: از سوی دیگر یکی از معضلات مهم جامعه‌ی امروز، فرار از قانون در هر زمینه‌ای مشکلات زیادی را برای جامعه ایجاد کرده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های حاصل از عدم امکان تامین خواست‌ها و احتیاجات زندگی موجب توسعه شدید و دامن‌دار فساد، عصبان، تبه‌کاری، دزدی و به‌عنوان کلی جرم و جنایت شده است. به‌لحاظ حقوقی و قانونی جرم به هر فعل و یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد تلقی می‌گردد.

نتیجه‌گیری: وجود رابطه معنادار بین التزام به قانون و پیشگیری از جرم و کاهش جرایم و به تبع آن بالا رفتن میزان نظم و امنیت یک جامعه موضوعی است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قانون‌گرایی، نظم و امنیت، کاهش جرایم، جرم.

مقدمه

قانون مجموعه‌ای از دستورات عمل‌هاست که از سوی مجموعه‌ای از مؤسسات، دستگاه‌ها و افرادی که دارای خلاقیت وضع و تدوین آن هستند نوشته و به اجرا گذاشته می‌شود. از سوی دیگر مسئله‌ای که به محض بروز قانون به وجود می‌آید حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون دارای یک معنای عام و یک معنای خاص است در معنای عام به معنی وجود نظم در کشور در معنای خاص اجرای قوانین موضوعه و قوانینی که مجلس و مقامات صالح کشور وضع کرده‌اند می‌باشد. مفهوم دیگری که پس از حاکمیت قانون در یک جامعه به واسطه وجود قانون و حاکمیت آن لازم الوجود می‌باشد قانون‌گرایی است. قانون‌گرایی عبارتست از سطح رعایت هنجارهای رسمی در برآورد انتظارات فردی یا گروهی از طریق حق‌شناسی، انجام وظیفه، قانع بودن به حقوق خویش و عدم تعرض به مصالح گروهی و اجتماعی. قانون پیوند دهنده لایه‌های مختلف جامعه است از این‌رو نقش و جایگاه مهمی در جامعه دارد. کارکرد اصلی قانون تنظیم رفتارهای اعضای یک جامعه است که بطور طبیعی دچار تعرض هستند. نقش قانون صحیح و مبتنی بر اصول انسانی، تعیین حد و مرزها، از بین بردن زمینه اختلاف‌ها، رفع تجاوز متجاوزان، داوری میان انسان‌ها، نشان دادن راه تعالی و کمال ایجاد نظم، برقراری عدالت و فراهم کردن زمینه‌ی تکامل انسان است. به دلیل وجود جرم در جامعه می‌باشد که وجود قانون و التزام به آن از اهمیت ویژه‌تری برخوردار گشته و وجود آن به‌عنوان یک جزء مهم در ساز و کار حقوقی یک جامعه بسیار مهم می‌باشد. در مورد ارتکاب به جرم و انجام جرایم توسط افراد: مسائل و مؤلفه‌های بسیار زیادی دخیل بوده و ایفای نقش می‌نماید. چطور می‌شود که انسان آزادی خود را که با ارزش‌ترین نعمت است بی‌ارزش بیندارد و کدام منطق می‌پذیرد انسان زندگی خود را در لحظه‌ای از احساسات و هوس قرار دهد و با دست خود زندگی خویش را تباه کند. همه‌ی ما مجرمین بالفعل هستیم. تنها چیزی که موجب تمیز و تشخیص بین مجرم و غیر مجرم می‌شود این مطلب است که مجرم مرتکب جرم شده و سدهای انفرادی و اجتماعی نتوانسته‌اند او را از ارتکاب به جرم باز دارند و او در یک موقعیت خاص مرتکب عمل کیفری شده است. نمی‌توان بطور کامل مسئولیت تعلیم و تربیت را بر عهده آموزش و پرورش و خانواده گذاشت. برخی از آموزش‌ها بر عهده‌ی جامعه و روند اجرای طرح‌ها و قانون‌ها می‌باشد. کانون آموزش و پرورش به عنوان اصلی‌ترین نهادی است که بعد از خانواده وظیفه تعلیم و تربیت را بر عهده دارد. یکی از کارکردهای مهم و اصلی خانواده و آموزش و پرورش آماده کردن فرزندان خانواده برای پذیرش

قانون می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در کاهش بروز جرایم مؤثر است آگاهی از قانون و پذیرش آن بعنوان رکنی از جامعه می‌باشد که عملکرد خوب خانواده‌ها و آموزش و پرورش در رسیدن به این هدف می‌تواند بسیار مؤثر باشد (کارتوزیان و همکاران، ۱۳۷۶).

۱. عوامل مؤثر در بروز جرم

در بروز جرایم مختلف که توسط افراد با سنین مختلف رخ می‌دهد عواملی دخیل هستند که در این بخش جهت شناختن این مؤلفه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱. تأثیر عوامل زیستی

تأثیر زیست‌شناختی وراثت و انتقال خصوصیات جسمانی، عقلانی، هوش والدین و اجداد انسان از دیر زمان موضوع مطالعه روانشناسان و علمای اخلاق بوده است و این موضوع تحت عنوان وراثت عقلی و اخلاقی مورد بررسی واقع شده است. در بین دانشمندان علوم زیستی و وراثت، لمبرزو^۱ یکی از پیشگامان این نظریه است. این دانشمند طی آزمایشات متعدد و مطالعات طولانی خود راجع به ۳۸۳ مجرمه جنایتکاران ایتالیایی و ۵۹۰۷ بزهکار زنده نتیجه‌گیری کرد که برخی اختلالات بیولوژیکی علت بزه این افراد می‌باشد و بر اساس آزمایشات این فرضیه را ارائه نمود.

۱-۲. تأثیر عوامل روانی

رافائل گاروفالو^۲ از معتقدان مربوط به تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه است. بررسی و شناخت عوامل روانی مربوط به دانش روان‌شناسی جنایی است. از جمله رسالت‌های این دانش بررسی منش و شخصیت بزهکار و ارزیابی گرایش‌های ضد اجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان به منظور تعیین مسئولیت اخلاقی و اجتماعی شان است. در مطالعه به بیماری‌ها و اختلالات روانی از قبیل نو روز، سایکوز و روان‌پریشی مبتلا هستند. طبق دیدگاه‌های روانکاوی خانواده و والدین کودک نقش بسیار بزرگی در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند. زیرا چنانچه سیر طبیعی رشد کودک تا پنج سالگی تکمیل نگردد و در طی یکی از مراحل، توقف حاصل

^۱ - M.A.Lemberzo

^۲ - R.Garofauolo(1978)

شود این امر سبب بروز اختلال‌ها و عکس‌العمل‌های ضد اجتماعی در رفتار آدمی خواهد شد. بر طبق دیدگاه روانشناسان در تحلیل شخصیت بزهکار تمایلات و انگیزه‌های ناخودآگاه جایگاه مهمی دارند. از نظر این دانشمندان مجازات افرادی که به‌علت اختلالات روانی مرتکب بزه می‌شوند نه تنها مثر نیست بلکه آنان را به‌سوی جرایمی تازه سوق می‌دهد.

۳-۱. نقش عوامل اجتماعی در جرم

برخی از دانشمندان عوامل محیطی و اجتماعی را منشا پدیده‌ی جرم تلقی می‌کنند. به نظر این دانشمندان جرم پدیده‌ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تأثیر داشته باشد، بلکه عاملی که سبب بروز جنایت می‌گردد جامعه و محیط است. پروفیسر لاکاسانی^۱ رئیس مکتب محیط اجتماعی، عامل محیطی و فرهنگی را تنها موجب جرم معرفی کرده است. به نظر این دانشمند همانطور که هر میکروب در شرایط و محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می‌یابد، پدیده‌ی جرم نیز به مثابه میکروب در محیط و فرهنگ مربوط به خود نیز زاییده می‌شود، فلذا از نظر وی منشا پدیده‌ی جرم تنها عوامل زیستی و روانی نمی‌تواند باشد و علاوه بر موارد ذکر شده مسائل اقتصادی و وضعیت نابهنجار آن می‌تواند در بروز جرم مؤثر باشد. مکتب سوسیالیست او جامعه اشتراکی را به عنوان جامعه ایده آل معرفی می‌کرد که طبق نظر آنان جرم زاییده نظام سرمایه داری است.

۲. برخی از علل ارتکاب جرم و موارد مؤثر بر کاهش جرم

پس از بررسی عوامل مؤثر در بروز جرم علل ارتکاب جرم در ادامه‌ی راه جهت شناخت ابعاد جرم لازم و ضروری به نظر می‌رسید که جهت جلوگیری از اطاله کلام به بیان برخی از علل ارتکاب جرم پرداخته خواهد شد و در ادامه مواردی که بر کاهش جرم تأثیرگذار هستند نیز به بحث و بررسی گذاشته خواهند شد. برخی از علل ارتکاب جرم در جامعه شامل موارد زیر خواهد بود:

- ۱- توجه به ارزش‌های مادی و بی‌توجهی نسبت به امور معنوی و اخلاقی
- ۲- بی‌اعتقادی و بی‌ایمانی برخی از مردم نسبت به اصول اخلاقی و ایمانی

^۱ - Lacasani(1843-1924)

- ۳- عدم آگاهی خانواده‌ها
- ۴- عدم آگاهی جامعه از قانون و راهکارهای قانونی که در مورد مسائل مختلف موجود است
- ۵- عدم قانون‌گرایی مردم و به نوعی قانون‌گریزی آنان
- ۶- عدم هماهنگی قوانین و نظام آموزشی با نیازها و اولویت‌های جامعه
- ۷- محیط پرورشی نامناسب و آموزش‌های نادرست
- ۸- ضعف کنترل اجتماعی جامعه
- ۹- وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی و برهم خوردن تعادل اجتماعی و اقتصادی
- ۱۰- مشکلات و مسائل روانی اشخاص
- ۱۱- توسعه طلبی و جاه‌طلبی صاحبان قدرت
- ۱۲- وجود تبعیض بین مردم
- ۱۳- کمبود موسسات آموزشی، رفاهی، تفریحی و ورزشی
- ۱۴- مهاجرت و شهرگرایی روستائیان در اثر بیکاری و...

در مورد کاهش جرایم نیز بجز موضوع مورد مطالعه که قانون‌گرایی می‌باشد که در جای خود به صورت مفصل به آن پرداخته خواهد شد موارد دیگری دخیل هستند که به آن بصورت مختصر پرداخته خواهد شد.

۲-۱. سطح آموزش و تأثیر آن در کاهش جرایم

همان‌طور که می‌دانیم فقر علمی و آموزشی موجبات ایجاد انحرافات هستند، به گونه‌ای که هر چه سطح آموزش افراد در جامعه بالا رود از میزان ارتکاب به جرم کاسته خواهد شد. از بُعد دیگری نیز می‌توان بیان کرد هر چه سطح آموزش فردی که مستعد به انجام جرم است بالاتر می‌رود، میزان ارتکاب به جرم بیشتر می‌شود. به عنوان مثال در دنیای کنونی هکرها از جمله افرادی هستند که با داشتن هوش و سطح آموزشی بالا مرتکب به جرایم اینترنتی می‌شوند. بنابراین بطور حتم نمی‌توان بیان داشت که افزایش سطح علمی و آموزش‌ها می‌تواند به کاهش میزان جرم منجر شود. بنابراین می‌توان عامل رشد سطح آموزشی علمی را همراه با رشد سطح آموزش فرهنگی هم‌پوشانی کرد به گونه‌ای که با افزایش آموزش‌های فرهنگی از طریق بالا بردن اخلاق فردی، در کنار آموزش‌های علمی می‌توان از میزان ارتکاب افراد به جرم کاست. همچنین

به‌لحاظ اقتصادی می‌توان اذعان داشت که افزایش سطح آموزشی، سطح درآمد فرد را بالا می‌برد (حلولی، ۱۳۸۸).

۲-۲. پلیس و تأثیر آن بر کاهش جرایم

پلیس به‌عنوان نهاد واسط امنیت، نمایان‌ترین وظیفه‌اش سازماندهی امور انتظامی جامعه به منظور برقراری نظم و امنیت عمومی برای کاهش جرم می‌باشد. بخش عمده‌ای از جلوه و نمود عملکرد پلیس در کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی تبلور می‌یابد و در واقع، کلانتری و پاسگاه‌ها خط مقدم و پیشانی جامعه و اجتماع در کاهش جرم می‌باشد. زیرا از یک‌سو پاسخگویی به بسیاری از نیازمندی‌های پلیسی جامعه در حیطه وظایف و اختیارات آنها می‌باشد و از سوی دیگر وظیفه مهم ضابطین قوه قضاییه عمدتاً از طریق این مراکز صورت می‌پذیرد. همچنین عملی نمودن برنامه تقدم پیشگیری بر برخورد، در این حوزه قابل اجرا است. یکی از شاخه‌های پلیس اجتماعی استفاده از توانمندی جامعه در مواجهه با معضلات، مسائل، ناهنجاری و جرایم است و امروزه آموزش همگانی و مشارکت شهروندان از عناصر اصلی کار پلیس است. با برگزاری جلسات توسط پلیس با خانواده‌ها، جوانان، اصناف و ارتباط و تعامل گسترده با دانشگاه‌ها، مدارس و دیگر نهادها و سازمان‌ها برای مهار جرم و افزایش احساس امنیت می‌تواند نقش مناسب داشته باشد، پلیس با تعاملات متقابل و مفیدی که با ساختار فرهنگی خانواده‌ها می‌تواند داشته باشد با بیان و تشریح پیامدهای انحراف اجتماعی در نقاط جرم سعی در گسترش روابط مناسب با زندگی افراد با یک روند اجتماعی مثبت و رویکرد مطلوب در رفتار اجتماعی افراد داشته است. همچنین تولید و انتشار محصولات فرهنگی چون کتاب، فصلنامه، لوح فشرده، برنامه‌های تصویری، انیمیشن و تبلیغات فرهنگی و اجتماعی در مکان‌های عمومی و خصوصی بر هدایت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کمک فراوانی خواهد کرد (مه‌ریار و جزایری، ۱۳۷۷).

۲-۳. ایجاد مراکز مشاوره و تأثیر آن بر کاهش جرایم

ایجاد مراکز مشاوره با هدف ایجاد رابطه نزدیک، صمیمی و اعتماد آمیز بین پلیس با مردم، شناسایی ریشه‌ها و زمینه‌های رفتاری نابهنجار و بزهکاری، تلاش در جهت از بین بردن بسترهای بروز معضلات اجتماعی و پیشگیری از آنها، آگاه‌سازی جامعه به‌منظور افزایش

توانایی‌های مقابله‌ای و ایجاد فرهنگ مشاوره در بحران‌های زندگی نقش مثبت دارد. که با راه اندازی دوایر در کلانتری‌ها و مدارس و نهادها و... اقدام دیگری است که با هدف تامین نقش حمایتی پلیس در جامعه، کاهش حجم موضوعات مربوط به جرم و اجرایی به مراکز قضایی، ایجاد در زمان مناسب بسیار لازم برای مراکز انتظامی در رسیدگی به امور اساسی و پیشگیری از وقوع جرم در جامعه خواهد بود. در این بخش به مددکاران، افرادی که مورد خاصی دارند ارجاع داده شوند و کمک نموده تا ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای نسبت به رفع مشکل آنان اقدام و در صورت امکان، مابین طرفین دعوی مصالحه ایجاد نمایند (مهریار و جزایری، ۱۳۷۷: ۳۰۴).

۲-۴. نقش دین در پیشگیری و کاهش جرایم

یکی از عواملی که در پیشگیری و کاهش جرم اجتماعی، تأثیر بسزایی دارد، دین داری و ایمان به خداوند است. هنگامی که آدمی دور از چشم آشنایان، همسایگان، و دیگران است، نه قانون و نه افکار عمومی و نه هیچ چیز اجتماعی دیگر کارهای وی را کنترل نمی‌کنند بلکه در این حالت، کنترل کار در پرتو ایمان به قدرتی صورت وضعیت می‌گیرد که در همه مکان‌ها و زمان‌ها شاهد آدمیان است و به رفتار پسندیده و نیک پاداش می‌دهد. عواملی که می‌توان به آن اشاره داشت دین است. دین با ایجاد یک سامانه کنترل درونی قوی در انسان‌ها آنها را از انجام دادن کارهای خلاف و نا مشروع باز می‌دارد و سبب می‌شود که آدمیان خود را از لحاظ درونی کنترل کنند. بطور کلی می‌توان گفت که در پرتو دین‌داری به گونه‌ای انسان پرورش می‌یابد که وی نه تنها در حضور دیگران، بلکه در خلوت نیز از جرم و گناه می‌پرهیزد (اسلامی، ۱۳۸۹).

۳. پیشگیری از جرایم و رابطه‌ی آن با قانون‌گرایی^۱

مقابله با پدیده جرم و آسیب‌های اجتماعی امری ضروری به‌نظر می‌رسد زیرا هیچ جامعه‌ای با وجود جرم و آسیب‌های عمومی نمی‌تواند زندگی امن و متعادل داشته باشد. جامعه امن آن است که در آن آسیب‌های اجتماعی کاهش یافته باشد. آسیب اجتماعی اعم از جرم و شامل مواردی چون اعتیاد، دزدی، تکدی‌گری، فساد اخلاقی و... می‌شود. فلذا وقتی از آسیب اجتماعی صحبت می‌شود مسائل مربوط به جرم را نیز در بر می‌گیرد با این تفاوت که فرد آسیب‌دیده

^۱ - Legal Positivism

ممکن است با انواع تنگناها و زیان‌ها روبرو شود، اما مرتکب جرم نشود. در جامعه مدنی و سالم باید از وقوع آسیب‌ها جلوگیری کرد. جلوگیری دو مرحله دارد:

- ۱- قبل از وقوع جرم و آسیب از آن پیشگیری شود.
- ۲- به افراد آسیب‌دیده و بزهکار کمک شود که خطرات و زیان‌های آنان افزوده نگردد و همان‌طور که پیداست پیشگیری بسیار کم هزینه‌تر، راحت‌تر و کم‌خطر از مرحله دوم است و این دلیل پیدا کردن جایگاه ویژه پیشگیری می‌باشد.

۳-۱. قانون‌گرایی یکی از مهمترین مبانی پیشگیری

قانون‌گرایی یکی از مهم‌ترین مبانی پیشگیری از وقوع و گسترش آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. جامعه‌ی قانون، ضد جامعه‌ای است که در آن ضعیف و قوی هر دو از کیفر قانون می‌هراسند. اگر در جامعه‌ای عده‌ای از افراد با وجود ارتکاب جرم مجازات نشوند اما کثیری از مردم ضعیف جامعه با کیفرهای حاکمیت مواجه شوند، بی‌تردید چنین قوانینی مشکلات بنیادی جامعه را حل نخواهد کرد. قانون‌گرایی به معنای حرمت نهادن عموم جامعه اعم از دولت و مردم، ضعیف و قوی و توانمند و فقیر به قانون است. بدون قانون هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند از زیر بار آسیب‌ها و خطرات اجتماعی رهایی یابد. عدالت یکی دیگر از مبانی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. وجدن پاک انسانی نمی‌تواند نسبت به وقوع جرم، تبهکاری بی‌بند و باری و تزلزل ارکان جامعه بی‌تفاوت باشد و جامعه ناسالم را تحمل کند. این ملکه اخلاقی حکم می‌کند که باید از وقوع انواع آسیب‌های اجتماعی پیشگیری کرد چرا که با گسترش بزهکاری و هرج و مرج، جامعه دچار آلودگی می‌شود. دادگری از یک طرف به امنیت، آرامش و رفاه جامعه کمک می‌کند و از طرف دیگر راه‌های پیشگیری از تحقق جرم و آسیب‌های عمومی را فراهم می‌سازد و سرانجام افراد آسیب‌دیده را به دادگاه پاک و غیر تبعیض‌آمیز می‌کشاند. وانگهی آنانی که با وجود رسیدن به مرز بزهکاری از ارتکاب جرم اجتناب کرده‌اند، با بهره‌گیری از انواع سیاست‌ها و شیوه‌های معنوی یاری می‌رساند. حق جویی نیز از مبانی پیشگیری از وقوع بزه و آسیب فردی و اجتماعی است. آنکه عاشق و فدایی حق است نمی‌تواند نسبت به آسیب‌های اجتماعی بی‌توجه باشد. حقوق شهروندی دو وجه داد. از یک طرف همه‌ی افراد کشور از حقوق بنیادی برخوردارند و باید برای بهره‌مندی آنان از حقوق خویش یاری رساند و از طرف دیگر باید با اتخاذ سیاست‌ها و روش‌ها و برنامه‌ریزی‌های مختلف از وقوع آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کرد. جامعه‌ای که در آنان انواع

ناهنجاری‌ها از قبیل اعتیاد، ناامنی، دزدی، اختلاس، رشوه، فقر و... رواج دارد نمی‌تواند زندگی سرشار از رفاه و آسایشی داشته باشد. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به کاهش هزینه‌های عمومی می‌انجامد. چنانچه کشوری به لحاظ برخورداری از رفاه و امنیت و آزادی بیان و... معضلی نداشته باشد از آسیب‌های عمومی آن نیز کاسته می‌شود. فلذا اهتمام دولت، نهادهای مردم‌نهاد و افراد خصوصی به کاهش آسیب‌های اجتماعی به رفاه و رشد و توسعه آن جامعه منجر خواهد شد. سیاست رفع آسیب‌های اجتماعی سیاست برد - برد است به این معنا که هم افراد آسیب دیده از این سیاست بهره‌مند می‌شوند و از بار خویش بر جامعه می‌کاهند و هم جامعه با خیال راحت به فکر توسعه و رشد خود می‌افتد (صیفی، ۱۳۸۹).

۳-۲. قانون‌گرایی مهمترین اثر پیشگیری

پیشگیری از وقوع بزه و آسیب‌های اجتماعی دارای تأثیر بسیار زیادی است. هزینه‌های پیشگیری با کاهش جرم و ناامنی و معضلات دیگر جبران می‌شود. یکی از مهم‌ترین اثرات و فواید پیشگیری قانون‌گرایی می‌باشد. قانون‌گرایی از مهم‌ترین آثار پیشگیری از جرم و فساد اجتماعی است. بدون پیشگیری از وقوع جرم چگونه می‌توان به قانون‌مندی جامعه دل بست مگر ممکن است که جامعه‌ای به پیشگیری از بروز جرم و خلاف، اهمیت قائل نشود و جامعه‌ای قانون‌گرا داشته باشد. اگر دولتی می‌خواهد که مردم به قانون و حقوق شهروندی حرمت گذارند چاره‌ای جز برنامه‌ریزی کلان و جامع در زمینه پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی ندارد. به تجربه ثابت شده است که قوانین سخت‌گیرانه، حبس و محرومیت‌های اجتماعی شدید به کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر نمی‌شود. این در حالی است که دولت، نهادهای مردم‌نهاد و انسان‌های خیر خواه می‌توانند با صرف هزینه‌های حداقلی، قانون‌گرا شدن جامعه را تضمین نمایند. کاهش هزینه‌های اجتماعی از ثمرات دیگر پیشگیری از بروز جرایم و بی‌بند باری‌های فردی و اجتماعی است. جامعه حق دارد در فضای اعتماد و معنویت زندگی کند اما این امر با وجود انواع بی‌بند و باری و مفساد تحقق نمی‌یابد. دولت و مردم باید به این اصل اساسی توجه داشته باشند که ارتقاع اعتقاد عمومی به مثابه زندگی دنیوی است. اما برخی از دولت‌ها به جای حل بنیادی معضلات اجتماعی و افزایش نیروی انسانی در بخش‌های امنیتی و قضائی و نظامی بها می‌دهد. و به این ترتیب مردم و دولت نسبت به یکدیگر بی‌اعتقاد می‌شوند. افزایش امنیت و آسایش عمومی دو عنصر تکمیل‌کننده یکدیگرند اگر جامعه‌ای امنیت نداشته باشد تحقق

آسایش نیز ممکن نخواهد بود. اما باید دانست که امنیت صرفاً با سخت‌گیری حاکمیت بر مرد و صرف هزینه‌های فراوان تامین نمی‌شود. پیشگیری از جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی به تامین امنیت و آسایش مردم کمک می‌کند.

۳-۳. راه‌های پیشگیری از جرایم

در مورد چگونگی پیشگیری از جرایم راه‌های متعدد و گوناگونی وجود دارد که به‌صورت وضعیت فهرست‌وار جهت جلوگیری از اطاله‌ی کلام به آن پرداخته خواهد شد.

۱- راه‌های مدنی: الف) افزایش نظم و امنیت عمومی ب) ارتقاء حقوق شهروندی ج) جلوگیری از گسترش بی‌اعتمادی

۲- راه‌های آموزشی: الف) همگانی کردن آموزش ب) رشد میزان تحقیقات و فناوری

۳- راه‌های سیاسی: الف) آزادی احزاب ب) کاهش حذف مخالف ج) سیاست‌های رفع تنش داخلی و بین‌المللی د) استقلال کشور.

۴- راه‌های رفاهی - اجتماعی: الف) توجه به اقشار آسیب‌پذیر ب) ایجاد اشتغال ج) کاهش فقر عمومی

۵- راه‌های فرهنگی: الف) کاهش تجملات ب) بیدار سازی ج) پشتیبانی از تولیدات فرهنگی و هنری

۶- راه‌های دینی: الف) نو اندیشی دینی ب) جهان بینی توحیدی

۷- راه‌های اقتصادی: الف) تولید فناوری، اشتغال و تجارت ب) صرفه جویی

۸- راه‌های قضایی: الف) جرم‌زدایی ب) رسیدگی سریع به شکایت مردم ج) گسترش دادگاه‌های تخصصی

۹- راه‌های اطلاع‌رسانی: الف) گسترش اطلاع‌رسانی آزاد ب) گسترش دورکاری ج) ایجاد محدودیت برای شبکه‌های مخرب

۱۰- راه‌های رسانه‌ای: الف) گسترش رسانه‌های دولتی و خصوصی ب) فراهم کردن زمینه‌های طرح آزادانه مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی ج) رقابتی کردن فعالیت‌های رادیویی و تلویزیونی

۴. قانون‌گرایی، قانون‌گریزی

قانون از جمله پیچیده‌ترین مقوله‌هایی است که بشر در طول زیست خود بر روی کره خاکی با آن مواجه بوده است. در واقع با زیر عنوان قانون است که نظم معنا پیدا کرده و انسان با دیگر هم‌نوعان خویش ارتباط و تعامل برقرار می‌کند. قانون به عنوان نمونه ای از قراردادهای اجتماعی، حوزه‌های مختلفی را در زندگی از قبیل: اقتصاد، سیاست، حقوق، خانواده و کسب و کار و... در بر می‌گیرد. یکی از عوامل پیشرفت جوامع توسعه یافته وجود قوانین مدون شفاف و صریح می‌باشد. اگر قوانین گنگ و نارسا و در هم پیچیده باشند و هر کدام دیگری را نقض کنند، در هیچ یک از حوزه‌های اجتماع نمی‌توان امیدوار بود که چنین قوانینی گره از مشکلات فردی باز کنند و ترقی و پیشرفت را به همراه آورند. این‌که انسان‌های بی‌شماری در یک مسیر تعریف شده گام برداشته و امور روزمره خود را انجام می‌دهند، خود متأثر از وجود قانون در زمینه‌های مختلف در جامعه می‌باشد. قانون‌گرایی به معنا ضابطه‌مند و قاعده‌مند بودن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای تدوین شده و مورد پذیرش اکثریت افراد جامعه و باعث تداوم و قوام جامعه است. قانون‌گرایی پیامدها، آثار و تبعات بسیار زیادی برای جامعه دارد و تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی متضمن رعایت قوانین و مقررات است. به‌عنوان نمونه تحقق آزادی، اقتدار حاکمیت، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، هویت ملی، توسعه اجتماعی و سیاسی و بسیاری دیگر از اهداف اجتماعی را می‌توان نمونه‌های از این مدعا دانست. نهادمند شدن روابط در جامعه و یا به نوعی تحقق حاکمیت و قانون در جامعه از شاخصه‌های جوامع توسعه‌یافته و از اهداف عمده توسعه سیاسی است. از این‌رو هنگامی که از حاکمیت قانون در جامعه به معنای کلی آن سخن به میان می‌آید، منظور حاکمیت ضوابط و اصولی است که از سطح خرد و فردی تا سطح کلان که دولت و حکومت باشد جریان دارد. به بیان دیگر شکل-گیری و نهادینه شدن ساز و کارهایی برای حل منازعات و تنظیم روابط در درون ساخت جامعه می‌باشد. حاکمیت قانون را می‌توان این چنین تعریف کرد که وجود زمینه‌های ذهنی و عینی برای تطبیق قانون و برتری قانون نسبت به تمام مراجع دیگر در جامعه می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۶). مهم‌ترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از یک سو و شهروندان با هم از سوی دیگر است. با پیچیده‌تر شدن دو نوع تعامل یاد شده، نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون، برجسته‌تر و قابل ملاحظه‌تر شده است. ضمن آنکه در تمام جوامع، قضات از طریق قانون تامین‌کننده امنیت و آزادی هستند. قانون، تعیین معیارها و ضوابط ثابتی است که

برای همگان ایجاد و حق و تکلیف می‌کند و افراد جامعه بر اساس آن روابط خود را تنظیم می‌کنند و به این ترتیب هر کس از حقوق خویش آگاه می‌شود. دستگاه‌های اجرایی کشور بر اساس قانون، حد و مرزها را تعیین و با ابزار و وسایل تسهیل‌کننده و یا بازدارنده، افراد و جامعه را به اجرای قانون دلالت می‌کنند. درست است که افراد و اجتماعات و نهادها، بالقوه مطیع قوانین حاکمند اما نباید فراموش کنیم که تخطی از قوانین همواره از سوی بسیاری از افراد جامعه انجام می‌شود. قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کج‌روی یا انحراف از قوانین می‌شود. در همه جوامع قانون‌گریزی به‌عنوان یک مسئله خاص اجتماعی وجود دارد. مقایسه رفتارهای اجتماعی ملت‌های مختلف حکایت از آن دارد که این پدیده در میان برخی از ملل، شدید و در برخی دیگر ضعیف است. در بعضی جوامع پاره‌ای از قوانین آنچنان در عادات و رفتار مردم نهادینه شده‌اند که زیر پا گذاشتن یا گریز از آنها حیرت‌آور و وقاحت تلقی می‌شود در حالی که برای برخی از جوامع رعایت دقیق همان دسته از قوانین عبث و کسالت‌آور است. جامعه ما تجربه‌ای صدساله در امر قانون‌گذاری دارد ولی در طول همین زمان قانون‌گریزی را نیز تجربه کرده است. در تفکر بسیاری از افراد جامعه‌ی ما قانون برای شکستن و نظم برای از بین بردن، تدوین و ایجاد شده است. تسلیم و شکسته شدن قانون در مقابل تصمیم و عملکرد قانون‌شکنان فاجعه‌ای تلخ و غیر قابل تحمل است که عواقب جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. از سویی دیگر قانون‌گریزی را باید شکلی از رفتار نظام تلقی کرد. در اینصورت تحلیل چنین رفتاری را می‌توان تحلیل درونی رفتار سیستم نامید. در این شیوه تبیین رفتار نظام‌های اجتماعی مستلزم بررسی فرایندهای درونی نظام است که اجزای تشکیل‌دهنده یا واحدهای آن را در سطح پایین‌تر از سطح نظام در بر می‌گیرد. پیش‌فرض این شیوه‌ی تحلیل آن است که با شروع از سطح فردی امکان مداخلات اجتماعی و بهبود اوضاع بیشتر می‌شود. بر اساس تحلیل فوق قانون‌گریزی را می‌توان به سه دسته قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی و اخلاقی ترسیم کرد. در قانون‌گریزی ابزاری کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و به این نکته آگاه می‌شود که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او در بر دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است. عوامل ساختاری و اجتماعی متعددی شرایط شکل‌گیری این نوع کنش را فراهم می‌سازد. از عواملی که شرایط شکل‌گیری این کنش را فراهم می‌سازند عبارت‌اند از: ۱- ناکارآمدی نهادهای تشخیصی، ۲- ناکارآمدی نهادهای قضایی و تنبیهی، ۳- نابسامانی (آنومی).

در قانون‌گریزی اعتراضی چه بسا تعهد هنجاری به قانون مبتنی بر اخلاق شخصی می باشد و لیکن مبنای اطلاعات شخصی از قانون ارزیابی وی از قانون به عنوان امر درست و منصفانه است. تفاوت هنجاری از طریق مشروعیت به اطاعت از قانون منجر می شود. در این حالت شخص احساس می کند که صاحبان اقتدار یا کسانی که قانون را وضع یا حفظ می‌کنند حق مشروع اعمال زور و رفتار قانونی را دارند. در قانون‌گریزی اعتراضی عدم مشروعیت قانون و نهادها و مجریان آن مبنای جهت‌گیری قانون‌گريزانه را شکل می‌دهد. در این حالت هنجارها و الزام‌های موجود از بین می‌رود. عدم مشروعیت قانون‌گذار یکی دیگر از مسائلی است که در قانون‌گریزی اعتراضی باید به آن پرداخته شود. رشد آگاهی‌های مردم، پیدایش زنان فعال و تحصیل کرده، پیدایش نسل جدیدی که در فضای رایانه‌ای و رسانه‌ای با گزینه‌های دیگری از زندگی سیاسی آشنا شده است و در مجموع گروهایی از جامعه که خواستار مشارکت در عرصه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی هستند زمینه‌ای را فراهم ساخته است تا مشروعیت قانون و قانون‌گذاران به چالش کشیده شود. در قانون‌گریزی اخلاقی از آنجایی که قوانین با ارزش‌های اخلاقی و درونی فرد با هم همخوانی دارند فرد خود را ملزم به انجام و گردن نهادن به قانون می‌داند. اما شخص ممکن است دست به اعمالی بزند که علی‌رغم پیوستگی‌اش با ارزش‌های درونی وی با ارزش‌های جمعی همخوانی نداشته باشد. یک حالت از این وضعیت زمانی است که شخص عامدانه کنش اعتراضی خود را سامان می‌دهد که در مباحث قبلی به آن پرداخته شد. اما در حالت دیگر شخص عامدانه نسبت به قوانین جمعی حاکم یا هنجارهای اجتماعی موضع نمی‌گیرد. او صرفاً بر اساس آن چه که خود درست می‌پندارد عمل می‌کند. در چنین وضعیتی از نظر عامل، انجام و یا جهت‌گیری عمل او قانون‌گريزانه نیست بلکه عمل فقط از نظر ناظر عمل قانون‌گریزی محسوب می‌شود (نادری، ۱۳۸۹). به‌طور کلی برای جلوگیری از قانون‌گریزی باید به دنبال راهکاری مناسب و در خور این پدیده باشیم. به‌نظر می‌رسد با کمک نظارت و بازرسی‌های پی‌پی بتوان به مقابله با قانون‌گریزی پرداخت. امر نظارت و بازرسی در سازمان‌ها یکی از وظایف اصلی مدیریت محسوب می‌شود که تاریخ آن نیز بسیار طولانی بوده و نشان از اهمیت آن در حفظ دوام و بقا سازمان‌های بشری در ادوار مختلف تاریخی دارد. نظارت فعالیت است که (باید‌ها) را با (هست‌ها)، (مطلوب‌ها) را با (موجودها) و (پیش‌بینی‌ها) را با (عملکردها) مقایسه می‌کند و نتیجه‌ی این مقایسه تصویر روشنی از تشابه یا تمایز بین این دو گروه از عوامل خواهد بود که در اختیار مدیران سازمان قرار می‌گیرد. تعاریف متعدد و گوناگونی از نظارت و کنترل

ارائه شده است که در همه آنها یک نقطه‌ی اشتراک وجود دارد و آن اینکه نظارت عبارت است از مقایسه بین آن چه هست و آنچه که باید باشد (فتحعلی، ۱۳۸۹).

۵. قانون‌گرایی و رابطه آن با کاهش جرایم

توجه به قانون سابقه‌ای دیرینه دارد. مهمترین هدف قانون‌گذاری به وجود آوردن نظم و امنیت و تعیین حد و مرز اختیارات و وظایف افراد در روابط اجتماعی است. این امر موجب بقای قانون، عدالت و عدم گرایش انسان‌ها به بی‌نظمی، هنجارشکنی و قانون‌شکنی می‌گردد. قانون‌ستیزی به‌عنوان یک معضل اجتماعی سلامت جامعه را تهدید می‌کند بر خاسته از ناسازگاری‌هایی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است. این ناسازگاری‌ها که معلول عوامل خرد و کلان است سبب می‌شود تا همبستگی و انسجام اجتماعی تضعیف شود و وحدت سازمان جامعه به خطر افتد و در نهایت بی‌هنجاری بر جامعه حاکم گردد. پذیرش قانون و مقررات در جامعه از سوی عموم مردم موجب ایجاد نظم در سطوح و عناصر مختلف اجتماع می‌شود. جوامعی که موفق به درک مراحل توسعه شده‌اند معمولاً از افراد منضبط و مقید به قانون برخوردار بوده‌اند. نظر به اینکه قانون‌پذیری با نظام‌های شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه مرتبط می‌باشد می‌تواند کارکرد‌های متعددی داشته باشد.

۵-۱. کارکردهای قوانین

قانون‌پذیری دارای کارکردهای سیاسی، شخصیتی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی است. از نظر سیاسی درجه‌های قانون‌پذیری افراد هر جامعه نقش و وظایف دولت‌ها را تغییر می‌دهد. به‌عنوان مثال در صورت بالا بودن میزان عدم قانون‌پذیری دولت‌ها مجبور به سرکوبی افراد و اعمال زور و اجبار می‌شوند. از نظر شخصیتی افراد قانون‌گرا افرادی متعادل، منسجم و با ثبات هستند. از نظر کارکرد‌های اجتماعی بقای هر جامعه و استقرار نهادهای اجتماعی آن در درجه اول وابسته به جایگاه قوانین آن دارد. بالا بودن میزان قانون‌گرایی افراد با انسجام جامعه و دوام نهادها رابطه مستقیم دارد. از نظر اقتصادی نیز می‌توان گفت که میزان قانون‌پذیری افراد جامعه به روند توسعه کمک می‌کند. مثلاً یک جامعه قانون‌مند که قوانین آن در فرد فرد آن درونی شده است پرداخت به موقع مالیات و عوارض، حق بیمه و غیره می‌تواند بر توسعه یک جامعه تأثیر داشته

باشد و نهایتاً اینکه از نظر کارکرد جمعیتی نیز قانون‌پذیری یک راه رسیدن به جمعیت متعادل و متناسب است.

۵-۲. شاخص‌های قانون‌گرایی

به منظور پی بردن میزان قانون‌گرایی و قانون‌پذیری افراد جامعه و درجه سازگاری آنها با قوانین و مقررات موجود شاخص‌های مختلفی وجود دارد. با توجه به گسترش دامنه قانون‌پذیری این شاخص‌ها به شرح زیر در ابعاد گوناگون فرهنگی، شخصیتی و روانی، اجتماعی و حقوق قابل مطالعه می‌باشد.

الف) نگرش مثبت به جامعه: یکی از اهداف اجتماعی شدن ایجاد آرزو و امید و یا به عبارتی دیگر ایجاد نگرش در فرد است. از آنجا که ابتدای هر عمل و رفتار از ذهن شروع می‌شود برای اجرای قانون و پایبندی عملی باید جامعه نگرش مثبتی به آن داشته باشد. نگرش نسبت به قانون، افکار و شخصیت افراد را متأثر ساخته و نمود عینی خود را در رفتارهای آنها پیدا می‌کند. ب) کاهش ارتکاب جرایم: یکی دیگر از شاخص‌های عمده قانون‌گرایی و قانون‌پذیری در هر جامعه‌ای میزان ارتکاب به جرایم می‌باشد. قانون‌پذیری یک دفاع اجتماعی را در مقابل جرایم و بزهکاری به وجود می‌آورد.

ج) افزایش مشارکت اجتماعی: می‌توان گفت بین قانون‌پذیری و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. افرادی که درجه قانون‌گرایی آنها بیشتر است، معمولاً در بسیاری از امور اجتماعی عام‌المنفعه مشارکت پیدا می‌کنند. باید توجه داشت که ارزش‌های فرهنگی پیش‌نیاز برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود.

د) بالا بودن انسجام اجتماعی و تشبیت نظام حقوقی: در هر جامعه‌ای که افراد آن احترام به قانون و رعایت آن را برای خود یک فریضه به حساب می‌آورند می‌توان درجه بالایی از انسجام اجتماعی را در آن جامعه مشاهده نمود. روح همکاری با ساخت نیرومند جامعه و رقابت و فردگرایی با ساخت ضعیف جامعه همراه است. از سویی دیگر نظام حقوقی عبارت از مجموعه مقررات، آئین‌نامه‌ها، قواعد و ضوابطی است که اجرای آنها موجب بقاء و استقرار نظام اجتماعی می‌شود. هر چه درجه قانون‌گرایی افراد بیشتر باشد حاکمیت نظام حقوقی و تشبیت کارکردهای آن تسهیل می‌شود.

۳-۶. فرآیند قانون‌گرایی و انواع آن

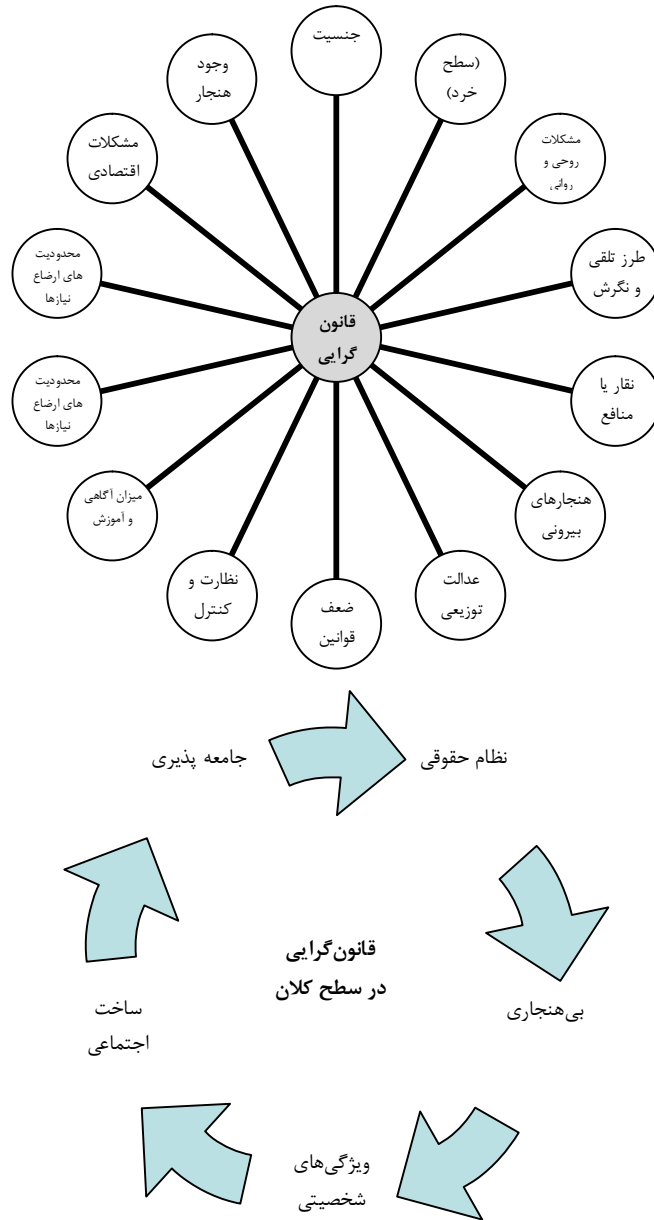
روند قانون‌گرایی طی فرایند اجتماعی شدن آدمی، از کودکی به دست می‌آید. اجتماعی شدن فرآیندی است که کودکان به کمک آن ارزش‌ها، باورها و معیارهای رفتاری را که فرهنگشان از آنها انتظار دارد می‌آموزند. به عبارت دیگر منظور از اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری^۱ آن است که یک انسان از بدو تولدش چگونه با جامعه و فرهنگ آن انطباق می‌یابد. از طریق اجتماعی شدن افراد شیوه‌های زندگی جامعه‌شان را فرا می‌گیرند، شخصیتی کسب می‌کنند و آمادگی عمل به عنوان یک عضو جامعه را پیدا می‌کنند. افراد یاد می‌گیرند خودشان را با سیستم جدید انطباق داده و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه انجام دهند.^۲ قانون‌گرایی به معنای پذیرش آگاهانه و آزادی اکثریت مردم از قوانین و مقررات در جامعه و عمل به آنهاست. قانون‌گرایی با ویژگی‌های شخصیتی فرهنگ عمومی جامعه، ساختارهای عمومی و سازمان افکار و شخصیت افراد مرتبط است. نوع‌شناسی قانون‌گرایی از این نظر که افراد نسبت به قانون و پذیرش آن چگونه عمل می‌نمایند مهم ارزیابی می‌گردد دو شکل اصلی آن عبارت است از:

- ۱- قانون‌پذیری اجباری: که اغلب در حکومت‌های استبدادی مشاهده می‌شود یعنی بدون کنترل اجتماعی به قوانین عمل نمی‌شود.
- ۲- قانون‌پذیری آزادی: که در جوامع آزاد و قانون‌مند و به دلیل درونی شدن در فرآیند جامعه‌پذیری یا رضایت قلبی صورت می‌گیرد.

در مورد موانع قانون‌گرایی و در واقع قانون‌گریزی افراد در ایران قبلاً توضیحاتی ذکر گردید که به‌طور کلی در دو بعد موانع عام و موانع خاص قابلیت بررسی دارند. در مورد موارد عام، محیط بین‌المللی، ویژگی‌های تاریخی، ویژگی‌های محیط طبیعی و ویژگی‌های جمعیتی دخیل هستند و در موقع موانع خاص ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی افراد در سطح جامعه وضعیت و ویژگی‌های نهادهای مستقل مدنی، نوع روابط تعاملات فی‌مابین عناصر سه سطح فوق، الگوی کنش اجتماعی ویژگی‌های خود قوانین و میزان تناسب و هماهنگی آنها با شرایط جامعه قابل احصاء می‌باشد. در رابطه با قانون‌گرایی و تأثیر آن بر کاهش جرایم دو فرضیه در دو سطح خرد و کلان وجود دارد که در ادامه مقاله نمودار آن نشان داده شده است:

^۱ - Socialization

^۲ -Boudon. Bourricaud (1989).Law and aplicution. 357



با توجه به مسائل ذکر شده فوق به بررسی ارتباط بین قانون‌گرایی و مؤلفه‌های موثر بر آن موارد زیر را می‌توان بیان داشت:

۱- بین قانون‌گرایی ویژگی‌های شخصیتی مثل میزان سواد افراد رابطه‌ای معنادار وجود دارد به طوری که با افزایش میزان سواد و تحصیلات افراد گرایش به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری بیشتر می‌شود. از این رو می‌توان انتظار داشت هر چه بر اطلاعات، دانش و تحصیلات افراد در جامعه افزوده شود قوانین و مقررات از اقبال و پذیرش عمومی بیشتری برخوردار می‌گردند.

۲- بین قانون‌گرایی و ساخت اجتماعی با مشخصه مشکلات اقتصادی جامعه رابطه معکوس وجود دارد به طوری که هر چه افراد از مسائل و مشکلات اقتصادی برخوردار باشند گرایش آنها به شکستن هنجارها و قوانین افزایش می‌یابد و یکی از دلایل این موضوع تمکن مالی در پرداخت جریمه‌های هنجار شکنی‌ها می‌باشد که خود جای بحث و تامل دارد.

۳- شرایط آنومیک یا بی‌هنجاری اجتماعی بر میزان قانون‌گرایی اثر منفی می‌گذارد. مطالعات متعددی^۱ که در این زمینه صورت پذیرفته است نشان می‌دهد که بین دو متغیر عدم وجود هنجار و قواعد حقوقی و قانون‌گرایی رابطه معکوس وجود دارد بطوری که هر اندازه شرایط محیطی و اجتماعی جامعه از هنجارها و قواعد حقوقی روشن و واضح برخوردار باشد میزان و گرایش به قانون و مقررات نزد افراد افزایش می‌یابد.

۴- بین دو متغیر جامعه‌پذیری و قانون‌گرایی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. به صورت تجربی این فرضیه در قالب روابط بین دو متغیر میزان آموزش و آگاهی و قانون‌گرایی دیده می‌شود.

بر اساس این دو فرضیه اگر نهادهای مسئول بتوانند نقش و تأثیرات مثبت خودشان را در ارائه آموزش‌ها و آگاهی‌های لازم و کافی به افراد ایفا کنند و چگونگی زیستن در اجتماع را به درستی بیاموزند و از طرف دیگر آموزش‌های رسمی و غیر رسمی به افراد داده شود می‌توان انتظار داشت قانون‌گرایی و قانون‌پذیری در جامعه نهادینه شود و میزان گرایش و پذیرش قانون و مقررات نزد افراد افزایش یابد.

^۱ - نظرسنجی از شهروندان تهران درباره چگونگی رعایت قانون (۱۳۸۴)، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

۵- یکی دیگر از مسائلی که بر قانون‌گرایی در سطح جامعه و در اثر آن کاهش جرایم تأثیر مستقیم دارد کارآمدی نظام قوانین است. اگر در قوانین و نحوه‌ی تدوین چگونگی اجرای آن وضعی وجود داشته باشد قطعاً این ضعف در میزان قانون‌گرایی مردم جامعه اثر خود را نشان خواهد داد. بر این مبنا اگر دستگاه‌های قانون‌گرا و نهادهای مسئول قوانین کارآمدی را وضع نکنند و از سوی دیگر خلاء قانونی، ضعف‌ها و ابهاماتی در محتوای قوانین دیده شود، این دسته از قوانین با اقبال عمومی در سطح پایین مواجه می‌شوند.

۶- نظام حقوقی مبتنی بر اعتقادات، باورها، گرایش‌ها، تمایلات و نگرش‌ها از دیگر مسائلی است که بر قانون‌گرایی اثر داشته است. این فرضیه در سطح خرد بین دو متغیر تحصیلی و اجباری بودن قوانین و قانون‌گرایی آزمایش شده است بر این مبنا لازم است قانون‌گذاران با درک صحیح از شرایط زمانه، تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور و جهان و با در نظر گرفتن گرایش‌ها، تمایلات، باورها و نگرش‌های مردمی قوانین پویا و با قابلیت اجرایی بالا را وضع کنند. در چنین صورتی است که می‌توان انتظار داشت میل بر گرایش مردم به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری نزد مردم افزایش یابد.

حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان متعددی (ارلیک، و کرایب، ۱۳۷۸) معتقدند که قوانین موضوعه یک کشور باید قوانین زنده باشند. منظور از زنده بودن انطباق قوانین با روحیات، نگرش‌ها و باورهای عمومی و درک صحیح از شرایط و مقتضیات کنونی جامعه انسانی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت در شرایطی که این انطباق وجود نداشته باشد قانون و مقررات بر مردم تحمیل شده و مردم در مرحله جبر‌گرایی قرار می‌گیرند و فرار از قانون افزایش می‌یابد (محسنی، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که در بخش‌های قبلی به تعدد ذکر گردید قانون به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها، روش‌ها و چگونگی انجام اموری تلقی می‌شود که از سوی مجموعه‌ای از افراد، موسسات و یا مجموعه‌ای که دارای صلاحیت این امر می‌باشند تدوین می‌شود. وجود قانون در یک جامعه باعث ایجاد نظم خواهد شد این نظم به دلیل این می‌باشد که قانون برای همه‌ی افراد از خود قانون‌گذار تا پایین‌ترین سطح از افراد جامعه لازم‌الاجرا می‌باشد و همه ملزم به رعایت آن می‌باشند. در واقع همه‌گیری قانون است که سبب بروز این نظم می‌شود. با توجه به عوامل موثر بر قانون‌گرایی و اثر آن بر جامعه مشخص گردید که قانون‌گرایی و التزام جامعه و افراد آن به قانون

اثراتی خواهد داشت که مستقیماً در جامعه مشهود می‌باشد. یکی از مهمترین اثرات قانون‌گرایی کاهش جرایم است. این نتیجه را می‌توان از راه‌های مختلف احصا نمود. متأسفانه در سالهای اخیر با پدیده ازدیاد تشکیل پرونده در محاکم قضایی و افزایش تراکم جمعیت در زندان‌ها مواجه شده ایم که علت اصلی آن درست اجرا نشدن قانون در جامعه از یک سو و عدم التزام مردم به اجرای قانون می‌باشد. از سوی دیگر در بسیاری از محاکم قضایی این مساله به تجربه ثابت شده است که قانون‌گرایی مهمترین راه پیشگیری از جرم و در نتیجه ی آن کاهش جرایم است.^۱ از سوی دیگر چون قانون‌گرایی به اصالت قانون و اصول قضایی و حقوقی در روابط بین مردم و دولت و فی ما بین خود مردم معتقد است ارتباطی تنگاتنگ بین عمل به قانون و مردم جامعه وجود دارد به گونه ای که هر چه میزان التزام مردم به رعایت قانون بیشتر باشد نشان دهنده ی اصالت قانون و حاکمیت آن در جامعه خواهد بود. مقصود از قانون‌گرایی حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه و رعایت حقوق همه افراد و شهروندان جامعه است. بنابر این جامعه ای قانون مدار و قانون‌گرا محسوب می‌شود که قوانین در آن کاملاً رعایت شود و همه آحاد جامعه در برابر قانون مساوی بوده و رهبران آن قانون‌پذیرترین افراد در جامعه می‌باشند. فلذا تساوی افراد در جامعه در قبال عمل به قانون و تساوی مجازات‌ها مساله ای است که در قانون‌گرایی در افراد شاخص بوده و هر چه این شاخص قوی تر باشد قطعاً ارتکاب جرایم کمتر خواهد بود.

پیشنهادهای کاربردی:

برای افزایش قانون‌گرایی افراد جامعه و به‌سبب آن کاهش بروز جرایم، پیشنهاداتی ارائه می‌گردد که به سبب عملی نمودن این پیشنهادات انتظار می‌رود افراد به انجام و عملی نمودن قانون متمایل‌تر گردند:

۱- افزایش شاخص‌های توسعه اقتصادی در جامعه از جمله نرخ اشتغال، میزان در آمد، کاهش بیکاری و...

۲- ارتقاء شاخص‌های توسعه فرهنگی از جمله رعایت قانون، رعایت حقوق دیگر افراد در جامعه اولویت بخشیدن منابع و مصالح اجتماعی بر منافع فردی، ایجاد فرهنگ نظم‌پذیری جمعی و...

^۱ - برگرفته شده از وبلاگ دادگستری استان کرمانشاه به آدرس: hemayab.blogfa.com

- ۳- توسعه نظام قضایی و توسعه و بهبود در نظام حقوقی جامعه
- ۴- وضع قوانین کارآمد، مفید، به روز، صریح، قابل اجرا و اثر بخش در جامعه
- ۵- قوانین باید آنقدر صریح، روشن و واضح و به دور از ابهامات باشند که هیچ فردی نتواند آن را تفسیر به رأی و به نفع خود بنماید.
- ۶- مجازات به موقع متخلفین از قانون و سنگین‌تر نمودن مجازات‌ها از یک سو و تجدید نظر در میزان جریمه‌های نقدی، به دلیل اینکه میزان جریمه نقدی تخلف‌ها با توجه به تورم افزایش پیدا نکرده و بعضاً بابت جرمی بزرگ جریمه‌ای بسیار اندک در نظر گرفته شده که این روند باعث افزایش جرایم به سبب کم بودن جریمه‌های آن می‌شود.
- ۷- در وضع قوانین باید به باورها، گرایش‌ها، نگرش‌ها و تمایلات و ارزش‌های مردم با توجه به سطح فرهنگ و نوع آموزه‌های آنها توجه شود.
- ۸- بهبود در نظام آموزشی و همگام کردن آن با ایجاد فرهنگ قانون‌پذیری در جامعه از طریق گنجاندن دروس قانون و قانون‌پذیری در کتب درسی و همچنین ارائه آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان به منظور نهادینه شدن احترام به قانون از همان دوران کودکی به گونه‌ای که برای آنها به عنوان یک فرهنگ اصلی نهادینه شود.
- ۹- ساخت فیلم‌ها و سریال‌های مفید و سازنده که در آن بر لزوم حفظ و احترام به قوانین بر همگان توصیه می‌شود.
- ۱۰- شناسایی شرایط نامساعد و تلاش در جهت بهسازی و توسعه شرایط محیطی به منظور ایجاد انگیزه‌ها و افزایش فرهنگ قانون‌گرایی.
- ۱۱- فعال‌سازی نهاد خانواده از طریق اجرای قوانین و مقررات و دغدغه به موقع و درست انجام دادن آن از سوی والدین، ارائه آموزش‌های لازم از سوی والدین به فرزندان در مورد تأکید بر پایبندی و احترام به قوانین و مقررات و غیره
- ۱۲- با توجه به نقش بسیار موثر رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری پیشنهاد می‌گردد برنامه‌هایی سازنده در صدا و سیما و انتشار آئین‌نامه‌ها و تبلیغات تشویقی جهت التزام به قانون در کتب، مجلات و روزنامه‌ها در راستای تقویت روحیه قانون‌گرایی در سطح جامعه ساخته شود.
- ۱۳- برای حمایت و اجرای قانون، باید علاوه بر ضمانت‌اجرائی منفی، از تشویق و ارائه جوایز برای کسانی که حکم آنرا اجرا می‌کنند استفاده کرد.

- ۱۴- اجرای قوانین و لزوم پایبندی به آن بایستی یک همگانی شناخته شود و از تبعیض در اجرای قانون و تاکید بر رعایت دقیق از سوی بخشی از مردم شدیداً پرهیز شود.
- ۱۵- استفاده بهینه از سرمایه‌های اجتماعی جامعه از طریق جلب اعتماد مردم به قوانین و قانون‌گذار و حذف نگرش‌های منفی در این خصوص.

فهرست منابع

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۶)، حقوق مدنی، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
- ارلیک، جی و کرایب، یان (۱۳۷۸)، نظریه‌ی اجتماعی مدرن؛ ترجمه‌ی عباس فجر، انتشارات آگاه، تهران.
- اسلامی، محمد (۱۳۸۹)، امنیت در سایه‌ی دین داری، نشر برگزیدگان، تهران.
- حلوی، حسین (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر بروز جرم و جنایت و راه‌های پیشگیری از آن، انتشارات رشد دانش، تهران.
- دورکیم، اصیل (۱۳۶۰)، فلسفه و جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی فرحناز خمسه‌ای، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- صیفی، محمد رضا (۱۳۸۹)، پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، نشر میزان، تهران.
- فتحعلی، علیرضا (۱۳۸۹)، نظارت و بازرسی علاج قانون‌گریزی، انتشارات امیران، تهران.
- کاتوزیان، ناصر و همکاران (۱۳۷۶)، فلسفه حقوق، به نشر، تهران.
- محسنی، علی (۱۳۸۹)، حقوق دادرسی، انتشارات میزان، تهران.
- مهریار، امیر هوشنگ و جزایری، مجتبی (۱۳۷۷)، اعتیاد و پیشگیری و درمان، نشر روان پویا چاپ اول، تبریز.
- نادری، میثم (۱۳۸۹) علل قانون‌گریزی در ایران، انتشارات امیران، تهران.
- نظر سنجی از مردم تهران درباره‌ی چگونگی رعایت قانون (۱۳۷۴)، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- [WWW.hemayat. brogrfu.com](http://WWW.hemayat.brogrfu.com)
- *Boudon. Bourricaud (1989) Law and application; 357.*
- [WWW.wilkipadia. com.](http://WWW.wilkipadia.com)

